

## پیش‌درآمدی بر روش تحقیق در پژوهش‌های استراتژیک

دکتر محمدابراهیم سنجقی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

گروه مدیریت

چکیده: روش‌های سنتی تحقیق، که بر مبنای تنظیم و آزمون فرضیه قرار دارند، در مجموع فاقد کارایی مطلوب در سطوح کلان پژوهش‌های استراتژیک هستند. در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن تبیین وجوه افتراق بین روش‌های متداول تحقیق از یک سو و پژوهش‌های استراتژیک از سوی دیگر، ویژگی‌های اصلی متدلوژی تحقیق در طرح‌ریزی‌های استراتژیک به صورت اجمال معرفی گردد.

در هر حوزه علمی - تحقیقی، ضرورت ایجاب می‌کند تا از روش‌های خاص تحقیق متناسب با ویژگی‌های خاص آن حوزه استفاده شود. بدیهی است این امر تا حدود زیادی به موضوع تحقیق، و نیز تجربیات و یافته‌های قبلی محقق بستگی دارد. در بسیاری از حوزه‌های علمی - پژوهشی، روش‌های تحقیق سازمان یافته‌ای وجود دارد که از جهات کلی با مقتضیات خاص آن حوزه‌ها سازگار است، به گونه‌ای که محقق می‌تواند قبل از پرداختن به پژوهش، روش تحقیق مورد نیاز خود را از میان روش‌های معمول و متداول انتخاب کند. البته در بسیاری از این موارد ضرورت ایجاب می‌کند تا به منظور رعایت تمامی جنبه‌های یک فعالیت

پژوهشی، اصلاحاتی در شیوه تحقیق برگزیده شده به عمل آید. با این حال محقق می‌کوشد تا در فرایند تحقیق خود از حدود و ثغور روشهای متداول و در عین حال سازمان یافته تحقیق فراتر نرود. در حوزه تحقیقات استراتژیک بر خلاف حوزه تحقیقات متداول علمی، و بنابر دلایل گوناگون، هنوز روش تحقیق سازمان یافته‌ای که بتواند بسیاری از فعالیتهای جاری پژوهشی را پوشش دهد، ارائه نگردیده است. برای درک بهتر این موضوع، نخست باید وجه تمایز ویژگیهای این دو نوع روش تحقیق را مورد کنکاش قرار داد.

**\* وجوه افتراق میان روش رایج علمی تحقیق و روش تحقیق در مقولات استراتژیک \***

وجود تمایز میان این دو شیوه تحقیق را می‌توان در قسمتهای ذیل خلاصه نمود:

#### الف) - موضوع پژوهش

روشهای متداول تحقیق در دانشگاه‌های کشور، که بر مبنای تنظیم و آزمون فرضیه قرار دارد، بیشتر بر محور تحقیق روی پدیده‌های قابل مشاهده و متغیرهای قابل کنترل استوار است. نتایج اینگونه تحقیقات کمک می‌کند تا بهترین توصیف و تفسیر درباره پدیده‌هایی که اجزای آنها تاکنون برای بشر مجهول مانده است، کشف و تبیین گردد. در حالی که در مطالعات کلان استراتژیک باید بر مبنای شناخت عمیقی که در برخورد دائمی با دشمن و رقیبان فراهم می‌شود، روند جاری و آینده اوضاع را با در نظر گرفتن شرایط بین‌المللی و اوضاع داخلی کشور پیش‌بینی و ارزیابی نمود، سپس بر مبنای آن و به منظور تأمین اهداف سیاسی و کسب برتری نسبت به حریفان، شالوده طرحها و سناریوهای انعطاف‌پذیر گوناگونی را پی‌ریزی کرد. در عرصه اجرای استراتژی نیز وضعیتهای خودی و دشمن، و همچنین شرایط محیطی پیوسته در معرض تغییر و تحول قرار دارند. در کساکش این فعل و انفعالات، مسائل، مشکلات و مخاطراتی بروز می‌کند و یا فرصتهای جدیدی به دست می‌آید که برای رویارویی با تهدیدات و یا بهره‌گیری از فرصتها باید به شیوه‌های خاص تجزیه و تحلیل رو آورد. پس بی‌تردید، روشهای متداول علمی نمی‌تواند مسئولان امر را در روند همیشگی

سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیریهای کلان یاری‌کند.

### ب) - قلمرو تحقیق

قلمرو روشهای متعارف تحقیق عمدتاً به یک رشته خاص علمی محدود است، در حالی که قلمرو مطالعات استراتژیک مقولات گوناگون نظامی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک، و اجتماعی را به صورت توأمان و درهم پیچیده شامل می‌شود؛ به عنوان مثال، در مطالعه رفتار خصمانه یک دشمن فرضی می‌توان جنبه‌هایی از جنگ روانی، تحریم اقتصادی، و تهدید به تجاوز نظامی را به صورت همزمان در یک سناریوی پیچیده مورد پژوهش قرار داد.

### ج) - کیفی بودن مقولات استراتژیک

روش علمی متداول تحقیق بر مبنای مشاهده و توصیف دقیق قرار دارد و محقق بطور طبیعی به ابزارهای اندازه‌گیری کمی با دقیقترین شکل توصیف مجهز است، در حالی که متغیرهای دخیل در مطالعات استراتژیک به صورت دقیق، قابل مشاهده و توصیف نیست. مقولات استراتژیک اساساً بیشتر با پدیده‌های غیر قابل اندازه‌گیری سروکار دارند. به عنوان مثال، موضوع عزم و اراده سیاسی یک کشور تهدید فرضی برای یک تهاجم احتمالی ناگهانی به محدوده سرزمین خودی مقوله‌ای نیست که بتوان آن را قبل از وقوع تجاوز به درستی ارزیابی کرد. بنابراین می‌توان چنین گفت که اساس تحقیقات رایج علمی بر پایه شواهد تجربی است، حال آنکه بسیاری از واقعتهای استراتژیک پیش از وقوع، تنها از راه تجزیه و تحلیلهای ذهنی و یا به صورت الهام، قابل درک است.

### د) - فراوانی و تعدد متغیرها

تعداد متغیرهای موثر در مطالعات استراتژیک آنقدر زیاد است که هرگز نمی‌توان تنها بر یک فرض خاص تکیه کرد و آثار ده‌ها متغیر دیگر را نادیده گرفت. این در حالی که کنترل بسیاری از متغیرهای دخیل در روشهای سنتی تحقیق به آسانی امکان‌پذیر است.

**ه) - نتایج تحقیق**

روش علمی تحقیق تنها می‌تواند شناخت ما را نسبت به وضع موجود تأمین کند، و حداکثر وقوع حوادثی را در آینده نزدیک پیش‌بینی کند. ولی این روش هرگز نمی‌تواند نسبت به ایجاد یک وضعیت همه جانبه مطلوب برای آینده پاسخگو باشد. محقق در بسیاری از پژوهش‌های استراتژیک، عمدتاً در صدد ترسیم و رسیدن به چنین وضعیتی است.

**و) - قدرت گسترش نتایج**

نتایج حاصل از تحقیقات رایج علمی را می‌توان به بسیاری از رویدادهای مشابه دیگر گسترش داد. در حالی که این امر در مطالعات استراتژیک کمتر می‌تواند مصداق داشته باشد. به عنوان مثال، آیا می‌توان تجربیات جنگ تحمیلی را عیناً و بدون هیچگونه تغییر در یک جنگ احتمالی دیگر مورد استفاده قرار داد، در حالی که امکان دارد جنگ فرضی جدید با آنچه که در دوران جنگ تحمیلی تجربه شده است اساساً فرق داشته باشد.

**ز) - ارزش نمونه‌گیری**

در تحقیقات استراتژیک، موضوع نمونه‌گیری و تعمیم نتایج حاصل از نمونه‌ها به کل جامعه، که در واقع جوهره روش علمی را تشکیل می‌دهد، از ارزش و کارایی خاصی برخوردار نیست.

**ح) - پویایی محیط**

سرعت تغییر و تحولات استراتژیک به اندازه‌ای است که استراتژیست در یک مقطع زمانی خاص، فرصت لازم برای بررسی طولانی پدیده‌ها، که در واقع لازمه یک تحقیق به روش علمی است، را در اختیار ندارد. او ناگزیر است موقعیتهای استراتژیک را در یک روند مستمر و متوالی بررسی کند و همواره عوامل جدیدی را در تجزیه و تحلیل‌هایش وارد کند.

## ط) - ابزار تحقیق

شیوه‌های رایج تحقیقات علمی، روشهای سازمان یافته است، در حالی که به هیچ وجه نمی‌توان روش منظم جامعی را به صورت واحد برای تمام مطالعات استراتژیک در تمامی موقعیتها و شرایط گوناگون ملاک عمل قرار داد.

## \* تفاوت در مبانی پژوهش \*

در بندهای فوق کاسیتها و نارسائیهای روش متداول علمی در پژوهشهای کلان استراتژیک آشکار شد. در اینجا مناسب است به این نکته اشاره شود که اصولاً جا افتادن روشهای معمول علمی مبتنی بر تنظیم و آزمون فرضیه به عنوان روشهای انحصاری کشف حقایق و پی بردن به عمق واقعیتها، خالی از اشکال نیست. تکیه مطلق بر این روشها چه بسا موجب شود تا هیچگاه نتوان از دام جهل در مسائلی که شیوه‌های دیگر تحقیق را می‌طلبد، رهایی یافت.

در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا اصولاً شیوه‌های دیگری برای تحقیق و رسیدن به شناخت درباره موضوعات گوناگون مورد نظر و علاقه انسان وجود دارد یا نه؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که در این زمینه بین فلاسفه غرب و فلاسفه اسلامی اختلاف نظر اساسی وجود دارد.

استاد شهید مرتضی مطهری (قدس سره) در کتاب ارزشمند «شناخت» به بررسی این مقوله پرداخته و نتایج بسیار سودمندی را ارائه داده است. از نظر استاد فقید و دیگر دانشمندان اسلامی، «طبیعت» نخستین منبع برای شناخت و «حواس» که اغلب از آن به «مشاهده» یاد می‌شود، ابزار آن است. تا این مرحله، نظر دانشمندان معاصر مغرب زمین کم و بیش با نظر علمای اسلام مطابقت دارد. ولی آنان «حواس» و یا به تعبیر دیگر «عمل» را تنها ابزار شناخت می‌دانند و ابزار دیگری را برای به دست آوردن شناخت قبول ندارند، در حالی که استاد شهید علاوه بر این از منابع و ابزار کاملتری برای کشف حقیقت یاد نموده است. بنا به نظر استاد:

«در اینکه حس یکی از مبادی شناخت است شک و تردیدی نیست، ولی

آیا «حس» برای شناخت کافی است؟ نه. وقتی ما درجات شناخت را بیان

می‌کنیم خواهیم گفت که چرا حس کافی نیست، یعنی حس شرط لازم شناخت است، اما شرط کافی برای شناخت نیست. علاوه بر حواس، انسان نیاز به یک امر یا امور دیگری دارد. انسان برای شناخت به نوعی تجزیه و تحلیل و گاهی به انواع تجزیه و تحلیل نیاز دارد. تجزیه و تحلیل، کار عقل است. تجزیه تحلیل‌های عقلی، دسته‌بندی کردن اشیا در مقولات مختلف است.<sup>۱</sup> استاد سپس چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

«برای شناسایی، ابزار حس، شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست. یک نیرو و قوه دیگری هم هست، اسم آن قوه را هر چه می‌خواهید بگذارید: قوه فکر، قوه تفکر، قوه اندیشه، قوه عاقله، آن قوه‌ای که کلیه حرکات را تجزیه و تحلیل می‌کند، ما به آن، قوه عاقله می‌گوئیم.»<sup>۲</sup>

استاد مطهری (قدس سره) در ادامه بحث شناخت، علاوه بر دو منبع «طبیعت» و «عقل»، از منبع دیگری هم به نام «دل» یاد می‌کند و «تزکیه نفس» را ابزار آن می‌داند. افزون بر این سه منبع، «تاریخ» نیز در بخش دیگری از کتاب به عنوان منبع چهارم برای شناخت معرفی شده است.

رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره) نیز نقیصه روش‌های علمی و متداول تحقیق در دانشگاه‌ها را مورد توجه قرار داده و در باب چگونگی تکمیل و برطرف کردن کاستی‌های آن چنین فرموده‌اند:

«فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.»<sup>۳</sup>

۱ - شهید مرتضی مطهری (قدس سره)، «شناخت»، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳، صفحه ۳۹.

۲ - همان منابع، صفحه ۴۲ - ۴۱.

۳ - «پیام استقامت»، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷، صفحه ۲۸.

### \* جمع‌بندی تفاوتها \*

به هر حال آنچه که به روش تحقیق در زمینه مطالعات استراتژیک مربوط می‌شود این است که شیوه‌های رایج تحقیق اعم از تحقیق مفهومی در متون، که به تجزیه و تحلیل مطالب دسته‌بندی شده می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند، یا تحقیق تاریخی که رویدادهای تاریخی را مورد کاوش قرار می‌دهد، یا تحقیق توصیفی که با شناخت و توصیف یک پدیده و گسترش نتایج آن به پدیده‌های مشابه سروکار دارد، و یا تحقیق تجربی در مورد بررسی آثار متغیرهای دستکاری شده، هیچ‌یک به تنهایی و یا در مجموع نمی‌تواند تصویری جامع از روش تحقیق در مطالعات استراتژیک ارائه دهد. در حالی که هر یک از این روشها می‌تواند در شرایط مناسب تنها به عنوان زیر مجموعه‌هایی از کل مطالعات کلان استراتژیک کاربرد داشته باشد. به عنوان مثال، در ترسیم راه کارهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس نمی‌توان صرفاً به هر یک از روشهای اشاره شده در فوق اتکا داشت؛ در صورتی که روش تحقیق مطالعات تاریخی می‌تواند با تشریح سوابق تاریخی روند تحولات قبلی، مسئولان را در اتخاذ استراتژی مناسب برای آینده منطقه یاری دهد.

### \* ارکان روشهای تحقیق در مقولات استراتژیک \*

اگر طبیعت مقولات استراتژیک به درستی مورد نظر قرار گیرد، این نکته روشن می‌شود که اساس مطالعات استراتژیک را انواع تجزیه و تحلیلها و کنکاشهای عمیق فکری در انواع و اقسام زمینه‌های گوناگون تشکیل می‌دهد، که نتایج آن به صورت جرقه‌های الهامی و نبوغ در ذهن نقش می‌بندد و به رهیافتهای کاملاً خلاق و ابتکاری منجر می‌گردد. نکته قابل توجه در روشهای تحقیق استراتژیک در این است که محقق باید قادر باشد اینگونه رهیافتهای خلاق را در قالب یک مدل مفهومی جامع متجلی نماید. ابعاد این مدل مفهومی باید بگونه‌ای باشد که راه کارهای استراتژیک را در برخورد با انواع وضعیتهای آینده مشخص کند و خطوط بکارگیری مجموعه نیروها و امکانات خودی را برای رویارویی تهدیدات و یا بهره‌برداری مناسب از فرصتها به دقت و روشنی هر چه تمامتر ترسیم نماید. در اینجا به هیچ وجه نمی‌توان

اصول و یا روش سازمان یافته‌ای را برای دستیابی به این قبیل مدل‌های مفهومی استراتژیک ارائه نمود. بلکه تنها می‌توان در یک قالب کلی، ارکانی را برای طرح‌ریزیهای استراتژیک برشمرد. این ارکان، که در واقع در زمره مسلمات طرح‌ریزیهای استراتژیک قرار داشته و قبل از طراحی در اختیار محقق قرار می‌گیرد، عبارتند از:

الف) - فرموله کردن اهداف حیاتی نظام به گونه‌ای ملموس و حتی المقدور قابل اندازه‌گیری. در این مرحله، ضمن تقسیم اهداف حیاتی به کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت، مراحل توسعه استراتژیک نظام مشخص می‌شود. در ترسیم اهداف حیاتی نظام برای زمان حال و آینده مجموعه‌ای از عوامل از جمله توسعه قدرت نفوذ نظام در بین مسلمانان سایر کشورها، اوضاع داخلی و خارجی کشور، و میزان توان بالفعل و بالقوه نظام نقش دارد.

ب) - برآورد تهدیدات علیه اهداف حیاتی نظام که در آن اغراض سیاسی، توان نظامی، و مجموعه راهبردها و شگردهای دشمن و یا قدرتهای رقیب در عرصه‌های گوناگون فعالیت‌های نظامی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، و اقتصادی برآورد و ارزیابی می‌شود.

ج) - دکترین نظام شامل مجموعه سیاستهایی که از صلاح‌دیدهای مکتبی و یا تدابیر مقام معظم رهبری منبعث بوده، به منزله نوعی راهنمای سیاسی، چارچوبی را برای پیشبرد روند تحقیق در اختیار محقق قرار می‌دهد.

بحث مبسوط پیرامون هر یک از ارکان فوق‌ان شاء... به فرصتی دیگر موكول می‌شود.